الحديث تقال رحمهما الله عليهم في الحال وكنت انا مرة مع جماعة وانفلتت منا
بهيمة وعجزوا عنها فقلته فوقفت في الحال بغير سبب سوى هذا الكلام ذكره النووي
في الاذكار   وَاِذَا اَشْرَفَ عَلَى مَكَانٍ مُرْتَفِعٍ قَالَ اَللّٰهُمَّ لَكَ
الشَّرَفُ عَلَى كُلِّ شَرَفٍ وَلَكَ الْحَمْدُ عَلَى كُلِّ حَالٍ   يعني
در مسند امام احمد و مسند ابو يعلى موصلى و كتاب عمل اليوم والليلة ابن سني مرويست
از انس رضي الله عنه و نحو که برمي آمد رسول خدا بر مکاني که بلندست مي فرمود بار
خدايا خاص است بلندي و بزرگي بر هر بلندي و بزرگي و خاص است حمد و
ثنا بر هر حال.   وَاِذَا رَاٰى بَلْدَةً اَرَادَ دُخُوْلَهَا قَالَ حِيْنَ
يَرَاهَا اَللّٰهُمَّ رَبَّ السَّمٰوَاتِ السَّبْعِ وَمَا اَظْلَلْنَ وَرَبَّ
الْاَرَضِيْنَ السَّبْعِ وَمَا اَقْلَلْنَ وَرَبَّ الشَّيَاطِيْنِ وَمَا اَضْلَلْنَ
وَرَبَّ الرِّيَاحِ وَمَا ذَرَيْنَ فَاِنَّا نَسْاَلُكَ خَيْرَ هٰذِهِ
الْقَرْيَةِ وَخَيْرَ اَهْلِهَا وَنَعُوْذُ بِكَ مِنْ شَرِّهَا وَشَرِّ اَهْلِهَا
وَشَرِّ مَا فِيْهَا   وَنَسْاَلُكَ خَيْرَ مَا فِيْهَا وَنَعُوْذُ بِكَ
مِنْ شَرِّهَا وَشَرِّ مَا فِيْهَا   اظلال سايه افکندن ارضين يعني
زمين است وسکون اقلال برداشتن اضلال گمراه کردن ذره برداشتن باد کاه را
وخاک را از باب نصر قال الله تعالى فاصبح هشيما تذروه الرياح و در روايت
طبراني است بدل ما اظللن و ما اقللن و ما اظللت و ما اقللت و ما اضللت بصيغه
واحد باعتبار جماعت و تانيث در اضللن باعتبار نفوس شياطين است يا بتغليب
اناث شياطين يا رعايت مشاکلت و نسبت اضلال بسوي شياطين مجاز است
قوله و اذا راى کذا في کنز الاصول و در نسخه صحيحه اذا اراد [illegible]

اولاست

اولاست قوله يريد دخولها در نسخه ثانيه اين قول تاکيد است و در ثانيه ثابت
نيست قوله حين يراها در نسخه اول باين معنی است که در اول وقت رويت گفت
نه در وقت دخول   يعني در سنن نسائي و صحيح ابن حبان و مستدرک
حاکم مرويست از صهيب ابن سنان رومي رض که چون رسول خدا مي ديد
از دور شهري را که ميخواست درآمدن خود در ان شهر مي فرمود در وقت آن
ديدن اللهم اي خدا پروردگار آسمانها که هفت است و پروردگار مخلوقات
که سايه افکنده است آسمانها برانها چون اين مخلوقات نزديک آسمانها اند
گويا که سايه آسمانها برانهاست و پروردگار زمينها که هفت است و پروردگار
خلقي که برداشته است آن زمينها آن خلقت را که پروردگار شياطين
و پروردگار خلقي که گمراه کرده اند شياطين آن خلق را و پروردگار بادها
و پروردگار چيزها که برميدارند بادها آن چيزها را از ابر و غيره کي مجيب دعوتها
باشي اجابت کننده دعاي من که فرموده است ادعوني استجب لکم پس بتحقيق
ما دعا و سوال ميکنيم از تو نيکي ذات اين شهر را که بر ما مبارک باشد و در وي
بطاعت و عبادت تو قيام نمائيم و بسلامت و عافيت سکونت کنيم و نيکي
چيزي را که درين شهر است از زنهاي حلال و نيکان باشند کاين اين شهر را
از عالمان و صالحان و پناه ميجوئيم بتو از بدي ذات اين شهر و از بدي باشند
کان اين شهر و از بدي چيزي که درين شهر است از موذيات   بايد دانست
که در ذکر سبع اشعار است باينکه هر يک از سموات و ارضين هفت است
که ميان هر آسمان پانصد ساله راه است چنانکه فاصله در هر يک پانصد ساله راه است
کما في جامع الاصول من حديث الترمذي وغيره و در هر زميني ملائکه و جن و آدم

Copyright © King Saud University

Created with PDFsharp 1.2.1269-g (www.pdfsharp.com)